

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ جنوری ۲۰۲۲

## "خر که از خز پس ماند، بینی اش از بریدن است!"

پنجشنبه- ۰۷ دلو ۱۴۰۰ - کابل: از همان نخستین روزهایی که امپریالیسم امریکا و شرکاء تصمیم گرفتند تا به جای جواسیس تکنوکرات، اسلام سیاسی نوع طالبی را به قدرت برسانند و به منظور خاک زدن به چشم مردم افغانستان و جهان و تحمیق توده های میلیونی کشور به رسانه های وابسته شان دستور دادند تا در معرفی طالب، ساز و آواز دیگری را آغاز نمایند و به جای آن که هویت متحجر، جنایت پیشه و تمامیتخواه آنها را تذکار دهند، از تغییر در طالب و این که "طالب تغییر کرده است" خبرهای دروغی به خورد مردم بدهند؛ به گواهی تمام نوشته هایم در این مدت، این قلم یکی از کسانی بوده ام که همیشه گفته و نوشته ام که تنها تغییر در طالب، افزودن کذب و ریا در کرکتر متحجر، تمامیتخواه و جنایت پیشه دیروزشان می باشد. یعنی آنها نه تنها صفات رذیله سابق شان را نگه داشته اند، بلکه کذب و دروغ را نیز در مکتب امپریالیسم و ارتجاع امپریالیستی فرا گرفته، نمی شود به زور و یا به قسم و قرآن نیز از دهن آنها یک حرف راست شنید. یعنی تغییر در سبک امارت "ملا عمر" با "ملا هبت الله" آن است که قبلاً دروغ گفته نمی شد، طالب وقتی می کشت می گفت به حکم "امیر" کشته ام اگر می بست و یا می زد، نیز با صراحت و شجاعانه مسؤلیت می گرفت و زبانش را با دروغ آلوده نمی ساخت، مگر امروز قضیه از اساس فرق نموده است. یعنی می کشند، می زنند، بازداشت می کنند، خانه پالی و تفتیش عقاید می کنند، مگر همه اینها را یا منکر می شوند و اگر انکار امکان پذیر نباشند، به بازی پیشکسوت شان "رژیم ولایت فقیه" اقتداء نموده، ادعا می نمایند که انجام چنان اعمال کار یک "نیروی خود سر" است. در یادداشت امروز تلاش می ورزم مختصراً این تکتیک را مختصراً افشاء نمایم:

"رژیم ولایت فقیه" که به مثابه محصول اجلاس "گوادلوپ" بر گرده مردم سوار ساخته شد، از همان آغاز در تقابل با خواسته های دموکراتیک و آزادیخواهانه خلق ایران قرار داشت. آن رژیم که تقیه یعنی مخفی داشتن افکار و اعمال و حتا نمایش ضد آن را یکی از اساساتی می دانست که مجوز مذهبی پارینه داشت، از آن جایی که نمی توانست آن زمان که از یک سو توده ها بر روی سرکها بودند و از سوی دیگر نیروهای متشکل انقلابی زیر ضربات چنگانه امپریالیسم، ارتجاع هار مذهبی و خیانت عناصر نفوذی امپیرالیسم و سوسیال امپریالیسم قرار نگرفته و ظرفیت دفاع از خود را داشتند، به جنگ مجموع ملت و نیروهای انقلابی برود و در عین زمان نمی خواستند ماشین کشتار شان را متوقف بسازند، دو اصطلاح را در فرهنگ سیاسی- اداری داخل ساختند. اصطلاح "لباس شخصی"ها و عناصر "خودسر".

رژیم ولایت فقیه با استفاده از این دو روپوش، تمام جنایاتی را که خود به وسیله نیروهای سرکوبش با سازماندهی کامل انجام می دادند، می زدند، می کشتند، خانه ها و دکانها را آتش می زدند، انسانها را زیر چرخ تریلی خرد و خاکشیر می ساختند، قتل های زنجیره ئی را مرتکب می شدند علی رغم آن که تمام این جنایات هم به دستور مقامات رژیم صورت می گرفت و هم عامل اجرائی آن اعمال معاشخور دولتی بودند، همه را منوط به لباس شخصی ها و گروه های خودسر اعلام داشته، خود را منزله معرفی می نمودند.

اینک وقتی به جنایاتی که "نظام ملاسالار" در افغانستان مرتکب می گردد، می بینیم که ضرب المثل "خر که از خر پس ماند، بینی اش از بریدن است" از رژیم ولایت فقیه تقلید می نماید. یعنی اگر بر تظاهراتی حمله می نمایند، اگر افراد مشخصی را از طریق های گوناگون زندانی می نمایند و یا به قتل می رسانند و یا هم ربوده غیب و غروب می سازند، اگر زن و دختر مردم را شبانه از خانه می ربایند، اگر به احوال شخصی مردم دخالت نموده، تمام شهر را به مانند زندانهای فوق امنیتی کنترل می نمایند، در آغاز منکر تمام آنها شده همه را به بهانه نخ نمای "کیس سازی" انکار می نمایند، امری که از طرف توله سگهای آنها در رسانه های مجازی نیز نشخوار می گردد و وقتی ثابت شد که آنها فردی را ربوده اند و دیگر امکان انکار باقی نماند، همان کلمه نیروهای "خودسر" که قرار است تصفیه شوند، مطرح می گردد.

هموطنان گرامی!

ربودن زنان و دختران و به بند افکندن تمام مخالفان یکی از خصوصیات تمام نظامهای تمامیتخواه و فاشیست است، هرگاه این فاشیسم به علاوه ادعای تفوق نژادی از پشتوانه مذهبی نیز برخوردار باشد، معلوم است که به هیچ فرد و نهادی پاسخگو نیست، همانطور که سخنگوی نظام ملاسالار "ذبیح الله مجاهد" نیز اذعان داشت، آنها به بند کشیدن، به زندان افکندن و حتا سرکوب قهری مخالفان را از حقوق حاکمیت خود می دانند، زیرا فلسفه ای که این باند جیره خوار آدمکش از آن تبعیت می نماید فلسفه "زور حق است" می باشد. آنها تا حال در عمل به اثبات رسانیده اند که چون به زور خود حاکمیت را گرفته اند، به زور خود نیز ادامه می دهند یعنی حقانیت و مشروعیت شان را از زور خود و بادران شان می دانند.

هموطنان گرامی!

این که ما جهت رهائی زندانیان و یا اعاده حقوق زنان و یا تأمین امنیت جانی و شغلی درب این و آن را بزنییم، کار بیهوده ای بیش نیست، هرگاه می خواهیم بر این مصیبت ها نقطه پایان بگذاریم، می باید خود را به "قدرت و نیرو" مبدل نمائیم در آنصورت با زور خلق این نوکران امپریالیسم و ارتجاع را راهی گورستان تاریخ نموده بنیاد یک افغانستان آزاد، مترقی و مرفه را بگذاریم.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**